

بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در جهت امنیت و احیای بافت فرسوده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۷

سیدمرتضی نوربخش^۱، محمد اکبرپور^۲

از صفحه ۷ تا ۳۰

چکیده

زمینه و هدف: بافت‌های قدیمی اکثر شهرها به مرور زمان و در اثر تحولات جدید، عملکرد گذشته خود را از دست داده و رفته‌رفته رو به اضمحلال گذارده و امروزه به عنوان بزرگ‌ترین معضل و عدم امنیت در شهرها مطرح هستند. یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش افراد جامعه، در تمام ابعاد مختلف توسعه است. به نظر می‌رسد که مشارکت، پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی از متغیرهای سرمایه اجتماعی وابسته می‌باشد. هدف مقاله حاضر، با مطالعه موردی محله شاطرآباد کرمانشاه، در پی آن است تا راهکارهایی به منظور بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی در جهت احیا و امنیت بافت قدیمی محله، ارائه دهد.

روش‌شناسی: این مقاله از نظر هدف، کاربردی بوده و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از پیمایش‌های میدانی پرسشنامه و مشاهده استفاده شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد که بین دو متغیر اصلی مطرح شده در سؤالات تحقیق، رابطه معنادار و مستقیم برقرار است و توجه به ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی-فرهنگی موجود در محله و ارتقای آن‌ها، می‌تواند در تسریع روند نوسازی محله و پایدار ساختن آن مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری: در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، «آگاهی و توجه» بیشترین همبستگی را با تمایل به مشارکت در نوسازی محله نشان می‌دهد. همچنین آزمون سؤالات نشان داد که بین سرمایه اجتماعی ساکنان محله و هویت امنیتی و فرهنگی محله رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی، می‌توان انتظار داشت که تمایل به ارتقای امنیت و حفظ هویت فرهنگی محله، افزایش یابد. هویت فرهنگی در رویکردهای نوین برنامه‌ریزی، به‌عنوان یک عامل و محرک توسعه پایدار مطرح است. با توجه به این رویکرد، نگاه به محله شاطرآباد به عنوان یک مرکز قدیمی در بافت مرکزی شهر کرمانشاه است که دارای اهمیت امنیت عمومی و فرهنگی بوده و به مثابه ثروتی بالقوه در اقتصاد شهری، اهمیت و توجهی مضاعف می‌یابد.

کلیدواژه‌ها

سرمایه اجتماعی و امنیت عمومی، بهسازی و نوسازی، بافت فرسوده، شاطرآباد.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی سازمان سنجش و آموزش کشور، drnorbakhsh@gmail.com

۲. استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

m.akbarpour@razi.ac.ir

فرسوده شدن بافت‌های شهری، در گذر زمان را باید در فرایند شهرنشینی و شهرسازی کشور، مورد بازخوانی قرارداد. در چنین فرایندی رندهای شتابان، نقش مؤثر و مداومی را در وسعت‌یابی شهرها از یک‌سو و در قدیم و جدید کردن فضاهای شهری از دیگر سو، داشته‌اند. تحرک بالای نظام شهرنشینی در برخی از مقاطع زمانی و اتخاذ سیاست‌های توسعه کالبدی مبتنی بر رشد از پیرامون نه از درون، از مواردی است که مانع از امروزی شدن برخی از بافت‌های دیروزی شد که خود ارزش زیست و سکونت این بافت‌ها را کاهش داد و موجبات نشست بخشی از اقشار فرودست مهاجر را، در آن‌ها تسریع و حرکات نوسازی را تضعیف کرد (باقریان، ۱۳۸۹: ۱۴۱). رشد شتابان جمعیت شهرها منجر به بروز مشکلات و مسائل پیچیده به ویژه انواع ناهنجاری‌های اجتماعی شده است. افزایش جرم و جنایت در شهرها امنیت و آسایش شهروندان را تهدید می‌کند و انسجام جامعه را مختل می‌سازد؛ از این رو، اقدامات علمی و عملی جهت کاهش ناهنجاری‌ها در جامعه ضرورت می‌یابد. تصور جوامع امروزی و محله‌های شهری حال حاضر، بدون تنش‌ها و ناامنی‌های ناشی از جرائم شهری، به سختی ممکن است؛ اما این مقوله در بافت‌های فرسوده شهری از اهمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت تاریخی، فرهنگی و در پاره‌ای موارد جاذبه‌های گردشگری این محلات از یک‌سو و نامتناسب بودن آن با مقتضیات زندگی امروز شهروندان از سویی دیگر، بر ضرورت بهسازی بافت این محلات برای رسیدن به امنیت کالبدی تأکید می‌کند. با این وجود، به دلیل مشکلات شهری و ناهماهنگی کاربری‌ها با نیازهای ساکنان؛ مهاجرت از این محلات بیشتر از سایر نقاط بوده که نتیجه آن از بین رفتن تعلق خاطر ساکنان نسبت به محله است که پیامدی جز گسترش آسیب‌های اجتماعی، ناملازمات و جرائم شهری از قبیل سرقت، عدم امنیت در شب، تجمع معتادان و فروش مواد مخدر، مزاحمت افراد ناباب، ضرب و شتم و درگیری و ... را در پی نخواهد داشت. امروزه سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهمی در مدیریت نوین جوامع ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که اثربخشی سایر سرمایه‌ها، منوط به وجود این سرمایه خواهد بود. لذا بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شوند؛ از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده و مدیرانی موفق قلمداد می‌شوند که

بتوانند در ارتباط با جامعه، به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند (اکبرپور، ۱۳۸۷: ۳۶). یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه است. اگرچه وجود مشارکت به لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است؛ ولی عملی کردن و به اجرا درآوردن مشارکت، به سادگی میسر نیست. به نظر می‌رسد که مشارکت پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد زیادی از متغیرهای سرمایه اجتماعی وابسته می‌باشد. سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که دستیابی به اهداف و اجرای پروژه‌های گروهی و اجتماعی را تسهیل می‌کند، مورد توجه است. به نظر می‌رسد تغییر رویکرد در جریان نوسازی از تهیه طرح‌های کالبدی برای مداخلات گسترده در بافت‌های فرسوده، به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و استفاده از سرمایه اجتماعی محلات الزامی است. در این رویکرد از ارزش‌ها و هنجارهای اعتماد و همیاری موجود در شبکه‌های اجتماعی (مردم و گروه‌های اجتماعی شکل گرفته و منسجم محله)، با هدف تسریع و تسهیل جریان نوسازی در محلات استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد اهمیت توجه به مقوله امنیت، صرف‌نظر از اهمیت دائمی و همیشگی آن که همواره در طول زمان وجود داشته است؛ در دوران کنونی ناشی از دخالت و حضور پاره‌ای عوامل و عناصر دیگری است که پرداختن به مسئله امنیت را دارای ظرافت و حساسیتی خاص می‌کند. امنیت مفهومی ذهنی و نسبی است که بر پایه اصول متعدد در یک جامعه، پدیدار و استمرار می‌یابد. در نگرش‌های سنتی به مقوله امنیت، اغلب کاربرد نیروهای نظامی و تهدید محوری مورد توجه بوده؛ در حالی که در مطالعات امنیتی انتقادی و جامع‌نگر امروز، گروه‌های اجتماعی می‌توانند نه تنها از ناحیه ابزار نظامی، بلکه از طریق عوامل محیطی یا اقتصادی مورد تهدید قرار گیرند و این عوامل می‌توانند به نوبه خود یکپارچگی یا استقلال سیاسی یک کشور را مورد تهدید قرار دهند. نظریه پردازان زیادی به بروز ناپایداری‌های امنیتی، در نتیجه عدم تحقق مؤلفه‌های توسعه پایدار، توجه کرده‌اند. نونژاد با تأکید بر رابطه امنیت و توسعه، شرایط لازم برای توسعه پایدار یک مکان جغرافیایی را شامل برقراری امنیت داخلی، برقراری آزادی و سیاست خارجی، مناسب می‌داند و معتقد است: «امنیت، فرهنگ توسعه است» (نونژاد، ۱۳۷۷: ۱۸۷). ظاهراً امروزه در بحث از امنیت، در کنار نقش مهم و بی‌بدیل پلیس، باید به نقش مردم و ایفای مسئولیت مناسب از سوی آن‌ها، جهت انجام بهینه

تصمیمات و خدمات پلیس توجه شود که این قضیه، خود بخشی از روند کلی دموکراتیزه شدن امور اجتماعی و سیاسی زندگی آدمیان در دنیای کنونی است. این مقاله با مطالعه محله شاطرآباد (محله شاطرآباد قبلاً مسکونی نبوده و ساکنان آن مهاجرین روستایی یا کسانی هستند که به دلایل گوناگون از محل اصلی خود رانده شده‌اند)، به عنوان نمونه موردی، به دنبال ارائه راهکارهای برنامه محور، در زمینه بهره‌گیری از نظریه سرمایه اجتماعی و رویکرد محله مبنای جهت بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده با قدمت سکونت بالا است. علت توجه به این محله، قرارگیری در بافت قدیمی و مرکزی شهر کرمانشاه می‌باشد. بر اساس این ویژگی، انتظار می‌رود قدمت سکونت ساکنان در این محله، احساس تعلق و تمایل به ادامه سکونت در اهالی محله، بیشتر بوده و بستر مناسب‌تری برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و امنیت عمومی در این منطقه به وجود آمده باشد. این مقاله به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

✓ آیا سرمایه اجتماعی ساکنان محله، بر تمایل آن‌ها به مشارکت در بهسازی و نوسازی محله مؤثر است؟

✓ آیا سرمایه اجتماعی اهالی محله، بر تمایل آن‌ها به حفظ امنیت و هویت و میراث فرهنگی محله مؤثر است؟

✓ آیا سرمایه اجتماعی ساکنان محله، بر تمایل آن‌ها به ادامه سکونت در محله مؤثر است؟

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی^۱ و امنیت عمومی: فوکویاما در کتاب «پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)» مبنای نخستین اصطلاح سرمایه اجتماعی را بدین صورت شرح می‌دهد که: «اصطلاح سرمایه اجتماعی تا آنجا که من از آن آگاه شدم، نخستین بار در اثر کلاسیک جین جیکوبز: مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) بکار رفته است که در آن او توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایات خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه

1. Social Capital

با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان دهند» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۳). نظریه سرمایه اجتماعی به طور ذاتی بسیار ساده است. ایدهٔ محوری آن را می‌توان در واژه «روابط» خلاصه کرد. اعضای جامعه با برقرار کردن تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آن‌ها، قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به کسب آن‌ها نیستند و یا با دشواری بسیار زیاد قادر به کسب آن‌ها می‌شوند. انسان‌ها، از طریق مجموعه‌هایی از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و تمایل دارند که ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای این شبکه‌ها داشته باشند. با گسترش شبکه‌ها، آن‌ها نوعی دارایی را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن را به عنوان نوعی سرمایه مورد ملاحظه قرارداد (فیلد، ۱۳۸۸: ۷).

واژه سرمایه دال بر آن است که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی، ماهیتی زاینده و مولد دارد؛ یعنی ما را قادر می‌سازد، ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم و... تجارب بانک جهانی نشان داده است که این پدیده، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (موسوی، ۱۳۸۵). رابرت پاتنام^۱ عالم سیاسی آمریکایی، می‌تواند مدعی سهم زیادی از مردمی کردن اصطلاحی شود که قبل از وی مبهم بود و وی آن را از حالت انتزاع در نظریه اقتصادی و اجتماعی نجات داد. پاتنام سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است: «ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های تعاونی بهبود دهند» (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶۹). با وجود رسمی و نهادی شدن کنش‌ها و تعاملات انسانی، باز در زیر لایه چنین روابط خشک و نظام‌مند ناشی از سیستم‌های فاقد روح انسانی، آن چه حاکم است؛ همانا روح و ماهیت عاطفی و انسانی روابط است که این بار در شکل و هیئتی جدید سر برمی‌آورد و حوزه‌ای را بین عرصه خصوصی متعلق به خود افراد و حیطة دولت به وجود می‌آورد که «جامعه مدنی»^۲ نامیده می‌شود. جامعه مدنی که در نظر برخی افراد بهتر است به عنوان حوزه و گستره مدنی نامیده شود؛ بخشی از فعالیت‌های عموماً داوطلبانه و خودجوش افراد را در

1. Robert Putnam

2. Civil Society

برمی‌گیرد که در آن افراد به دنبال برآورده شدن پاره‌ای از خواسته‌ها و منافع صنفی و گروهی‌شان هستند (انصاری، ۱۳۸۲: ۷۳). البته نمی‌توان منکر شد که لایه مهمی از این حوزه راه، انگیزه‌های مادی و معیشتی است که شکل می‌دهد؛ ولی قضیه در همین جا پایان نمی‌یابد و لایه‌های دیگری از فعالیت افراد موضوعیت می‌یابد که در آن‌ها انگیزه‌ها و علل غیرمادی نیز دست‌اندرکارند. به این ترتیب تعقیب و پیگیری هدف و خواسته‌ای مشترک، موجب گردهم آمدن و تشریک‌مساعی افرادی می‌شود که با دیگر شهروندان به نوعی همبستگی می‌یابند و حتی جالب توجه است که بسته به نوع روابط و مناسبات و شرایط پدید آمده در جهت گسترش مناسبات میان آدمیان، گاه تعلق‌خاطری میان شهروندان پدید می‌آید که چه بسا فارغ از همین حداقل‌های به هم پیونددهنده‌شان، اغلب آن‌ها برای یکدیگر همچنان ناشناس و غریبه بمانند ولی همین پیوندها و تعلقاتشان آن‌ها را در مسیر راه خویش یاری می‌رساند.

بنابراین جامعه مدنی حوزه‌ای است که در آن، بسیاری از مطالبات و خواسته‌های افراد دسته‌بندی شده و نهادمند می‌شود ولی همین جامعه مدنی کارکردهای دیگری نیز دارد که بسیاری از آن‌ها مستقیم و یا غیرمستقیم با مسئله امنیت مرتبط هستند و به نظر می‌رسد تقویت و تعمیق آن‌ها، نقش بسزایی در همکاری جامعه و اجتماع با پلیس به عنوان نیروی مستقیم برقرارکننده امنیت، داشته باشد. جامعه مدنی در یکی از مهم‌ترین مبانی و اصول کارکردی‌اش به تعادل بخشی میان حوزه‌ها و عرصه‌هایی مربوط می‌شود که در دو سر یک طیفی قرار می‌گیرند که جامعه مدنی حد واسط و عنصر میانی آن‌ها به شمار می‌آید. به این ترتیب جامعه مدنی میان حوزه‌هایی چون خصوصی و عمومی و یا حاشیه و متن و به ویژه میان جامعه و دولت به تلطیف مناسبات فی‌مابین آن‌ها پرداخته و با اعلام رسمی مطالبات مردم و پی‌گیری نظام‌مند آن‌ها و نیز تخفیف و کاهش بسیاری از تهدیدهای بالقوه، از تعمیق و گستره‌تر شدن شکاف‌های موجود در جامعه جلوگیری می‌کند (همان: ۲۱۰). در جوامع کهن و سنتی، پیوندهای گسترده‌ای میان انسان‌ها چه در عرصه ذهنی و تفکرشان و چه در حیطه واقعیات اجتماعی و تعلقات مربوطه، برقرار می‌شد؛ به‌عنوان مثال، ادیان و مذاهب جزو بزرگ‌ترین پیونددهنده میان انسان‌ها به شمار می‌آیند که در آموزه‌هایشان عموماً به تقسیم‌بندی‌های محدود و تنگ‌نظرانه قانع نشده و به همبستگی انسان‌ها در سطحی کلان می‌اندیشیدند. از سوی

دیگر واقعیاتی چون پیوندهای برآمده از تعلقات و همبستگی‌های قبیله‌ای و فامیلی نیز این قضیه را تقویت می‌کرد؛ به‌عنوان مثال، یکی از جالب‌ترین مطالعات در این خصوص را «ابن خلدون» در مقدمه تاریخ خویش و تحت عنوان مفهوم «عصبیت» انجام داده است؛ جایی که وی قدرت‌یابی قبایل حاشیه‌نشین و تفوق آن‌ها بر شهرنشینان را، گذشته از روحیه سخت‌کوشی ناشی از بیابان‌گردی ایشان، به دلیل پیوند و تعلق خاطری برمی‌شمارد که میان اعضای یک قبیله به وجود می‌آید و مطابق آن، افراد قبیله خود را فرزندان یک نیای مشترک به شمار آورده و آن را مبنای پیوند و همبستگی خویش قرار می‌دهند که نقطه اتکای آن‌ها در تحرکات اجتماعی و نظامی‌شان شده و بر قدرت ایشان می‌افزاید و این همان موضوعی است که وی از آن با عنوان «عصبیت» یاد می‌کند (انصاری، ۱۳۸۲: ۷۶). مباحث ابن خلدون ضمن قابل توجه بودن آن و به ویژه قابلیت تحلیل و تبیین آن جهت بسیاری از مناسبات و روابط سیاسی اجتماعی دوران کهن به ویژه در مشرق زمین، از برخی ابعاد و زوایای خاص دچار تحولات و دگرگونی‌هایی نیز شده است که قابل توجه است؛ هر چند هنوز برخی اشتراکات میان آن و مفهوم سرمایه اجتماعی همچنان برقرار است. به این ترتیب در دنیای معاصر به اعتقاد اغلب محققان و پژوهشگران جامعه‌شناسی، تقویت سرمایه اجتماعی به ارتقا و افزایش میزان قدرت و توانایی افراد انسانی یاری می‌رساند؛ چرا که ایشان به مدد ارزش‌ها و خصایصی چون وفاداری، صداقت، اعتماد و... شبکه‌ای از روابط و تعاملات را پدید می‌آورند که سهیم شدن در آن‌ها، در واقع موجب افزایش قدرت و توان تأثیرگذاری افراد می‌شود ولی شاید نکته مهمی که عامل تمایز میان اندیشه‌های ابن خلدون و مفهوم نوین سرمایه اجتماعی باشد؛ آن است که سرمایه اجتماعی بر بنیادی وراثتی و نیایی مشترک تکوین نیافته و مربوط به تعقیب و پیگیری مناسبات و روابط افراد در گستره اجتماع است.

طبق آن چه که در مطالعات مربوط به امنیت دیده می‌شود؛ در این حوزه نیز جدایی و تفکیک کامل میان افراد متعلق به بدنه نیروی پلیس و آحاد جامعه رنگ باخته و امروزه بیش از هر زمان دیگری اصرار بر این قضیه وجود دارد که برقراری مناسب و بهینه امنیت اجتماعی، مستلزم تعامل و همیاری میان اجتماع و نیروی رسمی پلیس است که یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها و نتایج این تشریک‌مساعی، در مقوله امنیت بروز و ظهور می‌یابد. مطابق آن چه در نگرش اجتماعی محور در باب پلیس و برقراری امنیت گفته

می‌شود؛ بیش از برخورد و مقابله با وقایعی که به عنوان جرم تلقی می‌گردند؛ سعی می‌شود زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی بروز و ظهور چنین حوادثی به حداقل برسد. مهم‌ترین ویژگی و عامل زمینه‌ساز برقراری امنیت، وجود تعلق خاطر و احساس مسئولیت میان آحاد جامعه است که پیوندهای ایجاد شده در حوزه جامعه مدنی و به مدد سرمایه اجتماعی فراهم کننده چنین زمینه‌ای می‌تواند باشد. البته شایان ذکر است؛ جهت بسترسازی لازم در خصوص سرمایه اجتماعی، ابتدا نیازمند آن هستیم که حداقل‌هایی از امور لازم برای اجتماع مثل آزادی، پیشرفت و نهادهای لازم مردمی و... فراهم باشد تا آنگاه دولت‌ها با سرمایه‌گذاری و تقویت چنین حداقل‌هایی، به ایفای نقش بیشتر از سوی مردم کمک برسانند. از نظر افرادی مثل «فوکویاما» از آنجا که وقتی دولت‌ها تصمیم به انجام فعالیت‌هایی می‌گیرند که بهتر است بر عهده بدنه جامعه و بخش خصوصی قرار گیرد، چنین امری به شدت تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی بر جای می‌گذارد؛ لذا بهتر است دولت تا حد امکان مردم را در تصمیم‌گیری‌ها و تقویت نهادهای غیردولتی تشویق و ترغیب کند که همین مسئله ضمن انتقال بحث اعتماد به بدنه جامعه، موجب می‌گردد؛ مردم نیز به توسعه روابط خویش با عنایت به عنصر سرمایه اجتماعی متمایل شوند؛ در غیر این صورت اگر دولت اموری را که مردم نیز قادر و مایل به انجام آن‌ها هستند را خود متکفل شود؛ در آن صورت، ضمن ایجاد فاصله میان مردم و دولت، ناخودآگاه مردم به دولت وابسته شده و از شکوفایی استعدادهای خویش که آن‌ها را بر همکاری و مساعدت با یکدیگر یاری می‌رساند، غافل خواهند شد (مصطفوی، ۱۳۸۷: ۲۹).

برنامه‌ریزی مبنی بر اجتماع محلی: در دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی، بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از «پائین به بالا» و تأکید بر اجتماعات محله‌ای، به منظور توانمندسازی آن‌ها و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تأکید داشته‌اند. بررسی نظریات، دیدگاه‌ها، مشخصات و مفهوم برنامه‌ریزی محله مبنی، نشان داد که رویکرد مذکور در جستجوی تعامل اجتماعی بوده و مشارکت بازیگران محلی را در دستور کار قرار داده‌است؛ تسهیل کننده و هماهنگ کننده بوده و کمتر به مداخلات کالبدی- فضائی پرداخته و با نگاه فرایندگرا به پایداری تصمیمات در سطوح مختلف خواهد انجامید (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۷).

توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری تسری یافته است (فریدمن^۱، ۱۹۹۳). چنانکه پژوهش‌ها و مطالعات زیادی، در یکی دو دهه اخیر صورت گرفته است که همه به نوعی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد؛ یعنی «محل» در شهر هدف قرارداده‌است (مدنی پور، ۲۰۰۳). دیدگاه توسعه محل- مینا، حل مشکلات شهری را، استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا در محلات شهری؛ یعنی گروه‌ها و اجتماعات محلی، به عنوان سرمایه‌های اجتماعی که از جایگاه و کارکرد ویژه‌ای از لحاظ حفظ و توسعه تنظیمات اجتماعی در کلان‌شهرها برخوردار هستند، می‌داند. (رفیعیان و هودسنی، ۲۰۱۳:۸۶). توسعه اجتماع محلی عبارت است از: «فرآیندی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله، در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی» (چاوایس و فلورین^۲، ۱۹۹۰ به نقل از رفیعیان و هودسنی، ۲۰۱۳:۸۶). با بررسی دیدگاه توسعه پایدار اجتماعات محلی، می‌توان دو زمینه اصلی در محلات شهری را مورد هدف قرار داد:

۱. ساختار فضایی و هویت مکانی؛
 ۲. سرمایه‌های اجتماعی (رفیعیان و هودسنی، ۲۰۱۳:۸۶).
- هدف نهایی توسعه پایدار اجتماعات محلی، ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است. ترکیب این دو جنبه با به‌کارگیری عناصر شاخص هویت‌دهنده به مکان و ایجاد زمینه مأنوس شدن سکنه جدید با محله، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه و تأمین فضای مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی و ایجاد نزدیکی و پیوند و امکان تبادل آرا و نظرات در میان ساکنان یک محدوده در قالب فضاهای باز محلی، فضاهای فرهنگی و تفریحی و...؛ می‌تواند سبب تحقق اهداف توسعه پایدار اجتماعات محلی شود.

سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی دو مفهوم کلیدی دیگری هستند که بسیاری از صاحب‌نظران در نگرش جدید به برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، بر آن تأکید جدی دارند؛ به عنوان نمونه، بولن ضمن تأکید بر اهمیت ظرفیت‌سازی برای ایجاد باهمستان‌ها، توسعه

1.Friedman

2.Chavis and Florin

آن‌ها را منوط به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانسته و به این مهم اشاره دارد که سرمایه اجتماعی، پیش‌نیاز فرآیند توسعه باهمستان [اجتماع محلی] بوده و بدون سرمایه اجتماعی توسعه باهمستان‌ها، عملی نخواهد بود (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۱).

بهسازی و نوسازی بافت قدیم: اصولاً بافت قدیمی و فرسوده، بافتی است که در فرایند زمانی طولانی شکل گرفته و تکوین یافته است و امروز در محاصره فناوری عصر حاضر گرفتار شده است و با وجود اینکه، این بافت در گذشته به اقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله‌مراتبی بوده، ولی امروز از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آن‌گونه که باید و شاید، نمی‌تواند جوابگوی نیاز ساکنان خود باشد (حناچی، ۱۳۸۲: ۲۲). در این قسمت از شهر که هسته اولیه شهر شکل گرفته، آثار تاریخی با ارزش فرهنگی و هنری کم‌نظیری که «منابع تاریخی» نامیده می‌شوند، به چشم می‌خورد که نماد عینی تمدن گذشته و سبیل زندگی شهری محسوب می‌شود که لزوم حفظ و نگهداری این منابع، از ضروریات است (بوسکوف^۱، ۱۹۷۰: ۳۵۵). به‌طور کلی فرایند توسعه شهری و روند نگرش به تغییرات بافت-به‌ویژه در مناطق تاریخی و مرکزی شهرها- غالباً با دو رویکرد عمده مواجه بوده است. از یک‌سو، گرایش و تمایل به حفاظت و نگهداری از بافت و عناصر ارزشمند؛ و از سوی دیگر، موج تفکر نوسازی و بازسازی توأم با مداخلات مستقیم و کلان‌مقیاس، در این محدوده‌ها. رویکرد نوسازی، عمدتاً با پشتوانه‌های سیاسی و اقتصادی در اولویت و برتری نسبت به حفاظت و نگهداری از ثروت‌های فرهنگی قرار داشته است (حناچی، ۱۳۸۵). در ادامه تحولاتی که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده، مقوله جدید و تأثیرگذاری به عرصه اقدامات شهری وارد شد که تحت عنوان «نظریه بازآفرینی شهری»، طیف وسیعی از طرح‌ها را در مناطق مختلف در بر گرفت. به‌طور کلی همه فعالیت‌هایی که برای مقابله با مهاجرت و بهبود شرایط اجتماعی و زیستی مشتمل بر توسعه، توسعه مجدد و بهبود، صورت می‌گیرد؛ به نوعی بازآفرینی شهری دانسته می‌شود. بازآفرینی به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، محیطی و امنیتی شهر توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌دارد که قابلیت زیست جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاک‌سازی شده، زیرساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی که به پایان عمر مفیدشان رسیده‌اند، می‌دهد. یک نگرش کلیدی در بازآفرینی

به معنای عامش، این است که وضعیت کلی شهر و مردمش را بهبود بخشد (موسسه هال سیتی^۱، ۲۰۰۰: ۷۷). به‌کارگیری این رویکرد باید همراه با تحول در نظام سنتی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و تفویض اختیارات به حکومت‌های محلی باشد تا با ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت بخش خصوصی، مردم و گروه‌های داوطلب، شرایط را برای حضور سرمایه‌گذاران و مدیریت عمومی طرح‌ها فراهم سازند. طرح‌های بازآفرینی شهری، سعی در استفاده از قابلیت‌های موجود در مناطق فرسوده دارند و بنابراین سعی دارند با بهره‌گیری از مشارکت گسترده عمومی با صرف کمترین بودجه، حیات اجتماعی و امنیتی و رونق اقتصادی را به بافت بازگردانند. این طرح‌ها انعطاف‌پذیر و بلندمدت بوده و در طول زمان و نسبت به شرایط، تغییرات بسیاری پیدا می‌کنند. در این رویکرد، احیا و باززنده سازی بافت، بر بازسازی آن ارجحیت دارد و تلاش می‌شود با دستیابی به راه‌حل‌های مبتکرانه و نوآورانه، کمترین تغییر در سیمای کلی بافت ایجاد شود (اکبرپور، ۱۳۸۷: ۴۰). لازمه بازآفرینی پایدار شهری، همکاری اجتماعات محله‌ای و رسیدن به توافق عمومی است. در بازآفرینی پایدار شهری، گونه‌های جدید نهادی شکل می‌گیرند که تلاش می‌کنند، برنامه‌های بازآفرینی اجتماع مدار را به شکل یکپارچه و از پایین به بالا، به صورتی که همه افراد ذی‌نفع را شامل شود، بسط و توسعه دهند. چنین رویکردهایی، امکان ارائه و توسعه راه‌حل‌های بلندمدت پایدار را افزایش می‌دهند. امروزه بازآفرینی شهری به دنبال تشکیل کنسرسیوم‌هایی از همه گروه‌های ذی‌نفع است تا باعث بهبود همه‌جانبه و پایدار وضعیت اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فیزیکی محل شود.

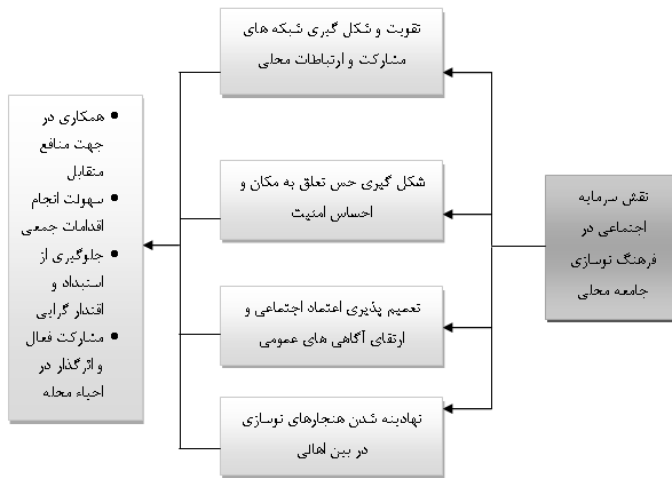
1. Hull city plan

عمر ابنیه	<ul style="list-style-type: none"> • ساختمانهای موجود در این گونه بافتها عمدتاً قدیمی می باشند یا فاقد رعایت استانداردهای فنی هستند به گونه ای که غیر از استاندارد بودن آنها از ظاهر ساختمان قابل تشخیص است. ابنیه این بافتها عمدتاً تاب مقاومت در مقابل زلزله ای با شدت متوسط را ندارند.
دانه بدنی و تعداد طبقات	<ul style="list-style-type: none"> • ابنیه مسکونی واقع در اینگونه بافتها عمدتاً ریززده بوده و اکثر آنها یک یا دوطبقه هستند.
نوع مصالح	<ul style="list-style-type: none"> • مصالح بکاررفته در اینگونه بافتها عمدتاً از انواع خشتی، خشت و آجر و چوب و یا آجر و آهن بدون رعایت اتصالات افقی و عمودی و فاقد زیرسازی مناسب می باشند.
وضعیت دسترسی ها	<ul style="list-style-type: none"> • بافتهای فرسوده که عمدتاً بدون طرح قبلی ایجاد شده اند عمدتاً از ساختاری نامنظم برخوردارند و دسترسی های موجود در آنها عمدتاً پیاده می باشد به گونه ای که اکثر معابر آن بن بست یا با عرض کمتر از ۶ متر بوده و ضریب نفوذپذیری در آنها کمتر از ۳۰٪ است. متوسط مساحت عرصه ابنیه واقع شده در این بافتها عمدتاً کمتر از ۲۰۰ متر مربع می باشد.
وضعیت خدمات و زیرساختهای شهری	<ul style="list-style-type: none"> • بافتهای فرسوده به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساختها و فضاهای باز، سبز و عمومی دچار کمبودهای جدی اند.
شاخص های کیفی	<ul style="list-style-type: none"> • مسأله جمعیت پذیری بافتهایی که در حریم گسلها، مسیر قناتها و رودها، می باشند و نیز بافتهای روستایی درون شهری و ... از دیگر مسائلی هستند که در تعیین بافتهای فرسوده موثر می باشند.

نمودار ۱: ویژگیهای عمومی بافتهای فرسوده

منبع: (ایازی، ۱۳۸۵: ۴۳)

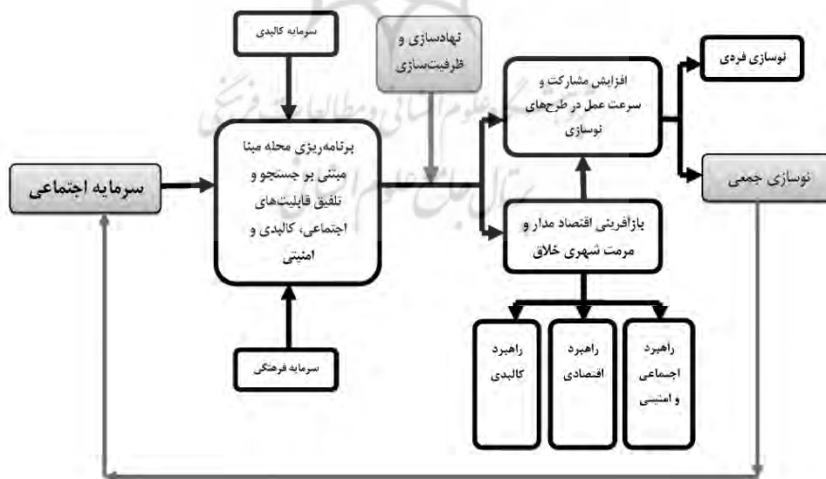
ابعاد اجتماعی، به عنوان یکی از مفاهیم و اصول برنامه ریزی محله- مبناء، در اکثر رویکردهای توسعه محله ای، از وزن غالب تری برخوردار می شود و اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی جهت توسعه محله ای مورد تأکید قرار می گیرد؛ به طوری که برخی از صاحب نظران، توسعه محله ای را بدون سرمایه اجتماعی غیرممکن می دانند. در این رویکرد، بر این نکته تأکید می شود که اجتماعات محلی، به خصوص انجمن ها و گروه های مشارکتی در این اجتماعات، باید فرآیند توسعه را پیش ببرند. توسعه بر مبنای ظرفیت مشارکتی ساکنان صورت می گیرد و بر ظرفیت سازی تأکید می شود. نقش عوامل خارجی در این رویکرد، بسیج دارایی ها و منابع محلی در جهت توسعه است. این دیدگاهها برای مشارکت مردم در فرآیند نوسازی، اهمیت زیادی قائل شده و از این طریق سرمایه اجتماعی جوامع را همچون دارایی اولیه جهت نیل به اهداف نوسازی به شمار می آورند. چنین فرآیندی در مراحل بعدی خود، می تواند موجب ارتقای سطح سرمایه اجتماعی در محله شود.



نمودار ۲: نقش سرمایه اجتماعی در فرهنگ نوسازی
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۴

نمودار مفهومی تحقیق

در این تحقیق با استفاده از شاخص سرمایه اجتماعی (سرمایه کالبدی و فرهنگی) و امنیت به بررسی عوامل مؤثر در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده با تأکید بر مشارکت (فردی و جمعی) در محله شاطرآباد پرداخته شد که نمودار شماره (۳) نشان‌دهنده این موضوع است.



نمودار ۳: الگوی مفهومی تحقیق
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای و از لحاظ روش انجام تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و در بخشی از کار از روش همبستگی استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها از پیمایش‌های میدانی پرسشنامه و مشاهده استفاده شده و جهت تدوین چارچوب نظری، روش اسنادی به کار رفته است. در بخش اصلی این تحقیق- یعنی مطالعه موردی- از روش پیمایشی استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در روند تحقیق بدین شکل است که متغیرهای استخراج شده از متن سؤالات، شاخص‌سازی شده و برای شاخص‌های مذکور گویه (زیرشاخص)هایی تنظیم می‌شود. این گویه‌ها، سؤالات پرسش‌نامه را تشکیل می‌دهند. پاسخ‌های دریافت شده از متن پرسشنامه‌ها، در نرم‌افزار spss و با استفاده از الگوهای آماری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر این اساس، هر متغیر به تنهایی مورد سنجش آماری قرار می‌گیرد. تحلیل‌های آماری آن در قالب آنالیز همبستگی‌ها و رگرسیون‌ها نیز به عنوان ابزاری جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. پس از آن سؤالات تحقیق مورد آزمون قرار گرفته و درستی یا نادرستی آن‌ها بررسی می‌شود. محدوده مطالعاتی مورد نظر (محله شاطرآباد)، واقع در شهر کرمانشاه است و کلیه خانوارهای ساکن این محله، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. به منظور نمونه‌گیری در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران، تعداد خانوارهای نمونه محاسبه شد. با توجه به این فرمول، مقدار خطای متغیرقابل تحمل ۰.۱ در نظر گرفته شد و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و $p=q=0.5$ و $t=1.96$ و با توجه به معلوم بودن جامعه آماری، تعداد ۳۲۴ نمونه تعیین شد.

پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در بین ساکنان محله (خانوارها) توزیع شد. برای این کار با ایجاد Random Point تعداد ۳۹۰ واحد مسکونی به صورت تصادفی و مکانی انتخاب شدند، سپس این قطعات مسکونی کدگذاری شده و برای تکمیل اطلاعات پرسشنامه، به هر یک از این واحدهای مسکونی که توزیع متعادلی در سطح محله دارند، مراجعه شد و هر پرسشنامه با درج کد مکان مربوطه تکمیل گردید. در فرآیند تکمیل پرسشنامه‌ها، تعدادی از آن‌ها ناقص و غیرقابل استناد بود که از فرآیند پردازش آماری حذف شد و تعداد پرسشنامه‌های سالم به عدد ۳۰۰ رسید.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

۲۱

اکثر خانوارهای ساکن در محله، به لحاظ درآمدی وضعیت مناسبی ندارند. وجود فقر اقتصادی شدید و سطح کیفی پایین زندگی و عدم امنیت در این محله، باعث شده است؛ ساکنان محله قادر به نوسازی واحدهای مسکونی خود نباشند. در ساختار ارگانیت بافت محله، سلسله مراتب دسترسی وجود دارد. عرض مناسب برخی از گذرها، امکان تردد سواره را فراهم می‌آورند ولی اغلب دسترسی‌ها با عرض کم و قابلیت حرکت خودرو را ندارند یا به صورت محدود این امکان را به وجود می‌آورند. دسترسی‌های بافت از خوانایی لازم برخوردار نیستند. کمبود کاربری‌های ورزشی - تفریحی و فضای سبز برای ساکنان محله و کمبود فضا برای تأمین این کاربری‌ها و کمبود سطح معابر در محله کاملاً بارز است. کمبود کاربری‌های مورد نیاز یک مرکز محله و عدم وجود کاربری‌های جاذب جمعیت و متروک شدن کاربری‌های باارزش که خود عامل به وجود آورنده عدم امنیت در محله می‌شود، از دیگر مشکلات کالبدی و خدماتی محله است.

برای سنجش عملیاتی مفهوم سرمایه اجتماعی، از پنج شاخص پیوندهای همسایگی، شبکه اجتماعی، مشارکت مدنی، اعتماد و آگاهی استفاده شده است. پیوندهای همسایگی در بین اهالی با میانگین ۲.۳ اندکی کمتر از حد متوسط (جدول ۱) است. شاخص شبکه‌های اجتماعی که میزان عضویت و فعالیت افراد در شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد، با میانگین امتیاز ۲.۴۶، در حد متوسط است. شاخص مشارکت مدنی که به تمایل افراد به مشارکت در امور مدنی در سطح کلان تا خرد می‌پردازد (با میانگین ۲.۸۷)، اندکی بیشتر از حد متوسط را نشان می‌دهد و وضعیت نسبتاً خوبی دارد. شاخص اعتماد که هر سه نوع اعتماد شخصی، نهادی و تعمیم یافته را مورد بحث قرار می‌دهد؛ با میانگین ۲.۸۸ اندکی بیشتر از متوسط است و وضعیت نسبتاً مناسبی دارد. شاخص آگاهی و توجه، وضعیت آگاهی و توانایی‌های پاسخگویان، در ارتباط با مسائل اجتماعی و کالبدی محله را مورد بررسی قرار می‌دهد. میانگین این شاخص ۲.۵۴ بوده و در حد متوسط ارزیابی می‌شود.

ب) یافته‌های استنباطی

در آمار استنباطی متغیرهای تحقیق، به بررسی وجود یا عدم وجود رابطه همبستگی بین متغیرهای تحقیق پرداخته شد که از این طریق سؤالات تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور، رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل) با سه متغیر وابسته تحقیق: ۱- تمایل به مشارکت در بهسازی و نوسازی محله؛ ۲- تمایل به ادامه سکونت در محله؛ ۳- هویت امنیتی و فرهنگی محله، به‌وسیله ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهند؛ رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیرهای وابسته تحقیق وجود دارد که این رابطه در سطح اکثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برقرار است. ضریب همبستگی پیرسون، یک رابطه مستقیم و مثبت را در حد متوسط، بین متغیرها نشان می‌دهد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش میزان سرمایه اجتماعی در محله، می‌تواند در افزایش تمایل به مشارکت در نوسازی محله، ادامه سکونت در محله و ارتقای امنیت و حفظ هویت فرهنگی محله مؤثر باشد.

جدول ۱: رابطه تمایل به مشارکت در نوسازی محله با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری (sig)
تمایل به مشارکت در نوسازی محله	پیوندهای همسایگی	۰.۳۱۳	۰.۰۰
تمایل به مشارکت در نوسازی محله	شبکه‌های اجتماعی	۰.۴۶۹	۰.۰۰
تمایل به مشارکت در نوسازی محله	مشارکت مدنی	۰.۴۲۱	۰.۰۰
تمایل به مشارکت در نوسازی محله	اعتماد	۰.۴۶۱	۰.۰۰
تمایل به مشارکت در نوسازی محله	آگاهی و توجه	۰.۴۹۰	۰.۰۰
تمایل به مشارکت در نوسازی محله	سرمایه اجتماعی کل	۰.۴۲۸	۰.۰۰

جدول ۲: رابطه تمایل به ادامه سکونت در محله با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری (sig)
تمایل به ادامه سکونت در محله	پیوندهای همسایگی	۰.۶۴۱	۰.۰۰
تمایل به ادامه سکونت در محله	شبکه‌های اجتماعی	۰.۵۱۲	۰.۰۰
تمایل به ادامه سکونت در محله	مشارکت مدنی	۰.۲۷۳	۰.۰۳
تمایل به ادامه سکونت در محله	اعتماد	۰.۵۴۵	۰.۰۰
تمایل به ادامه سکونت در محله	آگاهی و توجه	۰.۱۱۲	۰.۵۹
تمایل به ادامه سکونت در محله	سرمایه اجتماعی کل	۰.۴۵۹	۰.۰۰

جدول ۳: رابطه امنیت و هویت فرهنگی محله با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری (sig)
هویت فرهنگی - تاریخی محله	پیوندهای همسایگی	۰.۱۷۸	۰.۰۹
هویت فرهنگی - تاریخی محله	شبکه‌های اجتماعی	۰.۳۰۸	۰.۰۳
هویت فرهنگی - تاریخی محله	مشارکت مدنی	۰.۳۷۹	۰.۰۲
هویت فرهنگی - تاریخی محله	اعتماد	۰.۱۰۸	۰.۰۸
هویت فرهنگی - تاریخی محله	آگاهی و توجه	۰.۶۴۳	۰.۰۰
هویت فرهنگی - تاریخی محله	سرمایه اجتماعی کل	۰.۳۳۲	۰.۰۴

ج- مدل سازی تمایل به مشارکت در نوسازی محله از روی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، با استفاده از رگرسیون چند متغیره (برای تمامی متغیرهای تأثیرگذار سرمایه اجتماعی) انجام شد. در گام اول شرط‌های مورد نیاز برای استفاده از رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. این شرط‌ها عبارت بود از:

- ۱- وجود رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت در نوسازی محله؛
- ۲- آزمون دوربین واتسون برای سنجش استقلال خطاها؛
- ۳- نرمال بودن توزیع خطاها.

جدول ۴: مشخص‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیونی متغیر تمایل به مشارکت و سرمایه اجتماعی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آزمون دوربین واتسون	سطح معناداری مدل
رگرسیون	۰.۴۴۵	۰.۲۷۹	۰.۲۴۳	۱.۷۴۳	۰.۰۰

جدول (۵) ضرایب رگرسیونی تمایل به مشارکت در نوسازی محله و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر، ۰.۴۳۸ و دارای سطح معناداری ۰.۰۰ است. با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ($R^2=0.248$)، ۲۴.۸ درصد از تغییرات تمایل به مشارکت در نوسازی محله، توسط سرمایه اجتماعی قابل پیش‌بینی است. آماره آزمون دوربین واتسون هم بین ۱.۵ و ۲.۵ است؛ در نتیجه شرط استقلال خطاها برقرار است.

جدول ۵: ضریب رگرسیونی تمایل به مشارکت و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

سطح معناداری ضرایب مدل	آزمون t	ضرایب استاندارد شده		ضرایب مدل
		Beta	انحراف استاندارد	
۰.۰۱۰	۲۶۱۶	-	۱.۳۵۳	۳.۷۸۰
۰.۰۰۰	۲۸۸۰	۰.۱۷۹	۰.۰۵۴	۰.۱۷۸
۰.۰۰۵	۲۸۷۶	۰.۱۸۱	۰.۰۶۴	۰.۱۸۳
۰.۰۰۰	۲۰۴۴	۰.۲۶۱	۰.۱۰۲	۰.۲۸۹
۰.۰۰۰	۱۶۸۱	۰.۳۰۷	۰.۱۲۷	۰.۳۲۴
۰.۰۰۰	۱۶۴۲	۰.۳۳۸	۰.۱۰۵	۰.۳۶۴

با توجه به جدول شماره (۵)، سطح معناداری ضرایب عدد ثابت، پیوندهای همسایگی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی، اعتماد و آگاهی و توجه، کمتر از ۰.۰۵ است و وارد الگو می‌شود. در نتیجه الگوی تمایل به مشارکت در نوسازی محله و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به این صورت می‌باشد:

$$\text{(شبکه‌های همسایگی)} \times ۰.۱۷۹ + \text{(پیوندهای همسایگی)} = \text{نمره استاندارد میزان تمایل به مشارکت در نوسازی محله}$$

$$۰.۳۳۸ + ۰.۳۶۴ \times (\text{آگاهی و توجه}) + ۰.۳۰۷ \times (\text{اعتماد}) + ۰.۲۶۱ \times (\text{مشارکت مدنی}) + ۰.۱۸۱ \times (\text{اجتماعی})$$

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل سرمایه اجتماعی در تمایل به مشارکت در نوسازی محله، به ترتیب: ۱- آگاهی و توجه (با ضریب تأثیر ۰.۳۳۸)؛ ۲- اعتماد (با ضریب تأثیر ۰.۳۰۷)؛ ۳- مشارکت مدنی (با ضریب تأثیر ۰.۲۶۱)؛ ۴- شبکه‌های اجتماعی (با ضریب تأثیر ۰.۱۸۱) و ۵- پیوندهای همسایگی (با ضریب تأثیر ۰.۱۷۹) هستند.

نتیجه‌گیری

توسعه پایدار، شاخص‌هایی در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی ارائه می‌کند که می‌توان از آن‌ها در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده بهره برد؛ به صورتی که مثلاً در بعد اجتماعی و اقتصادی توسعه پایدار، شاخص پویایی اقتصادی مطرح شده که می‌توان پایه‌های اقتصادی و مالی متنوع را ایجاد کرد. از طرفی در بافت‌های فرسوده‌ای که از بعد عملکردی دچار فرسودگی نسبی شده‌اند؛ می‌توان عمل بهسازی را از طریق ایجاد کاربری‌های متنوعی که پویایی اقتصادی را دوباره به

بافت بازگرداند، استفاده کرد و به همین ترتیب می‌توان شاخص‌های توسعه پایدار را در بافت فرسوده اجرایی کرد که از این طریق می‌توان به دو هدف دست یافت؛ یکی داشتن شهرهایی که با ابعاد توسعه پایدار ساخته شده‌اند و دیگری بافت‌های فرسوده که بهسازی و نوسازی شده‌اند. با توجه به رویکردهای نظری بکار گرفته شده در مبانی نظری تحقیق و نتایج به دست آمده از مطالعات تجربی (پیمایشی) اعم از نتایج توصیفی، تحلیلی و آزمون سؤال‌ها، به ارائه پیشنهادهایی در رابطه با توسعه محله شاطرآباد پرداخته می‌شود؛

- آموزش و آگاه‌سازی در فرآیند نوسازی محله: در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، «آگاهی و توجه» بیشترین همبستگی را با تمایل به مشارکت در نوسازی محله نشان می‌دهد. آگاهی اهالی محله از وقایع و رویدادهای محیط پیرامون و همچنین از برنامه‌ها، اهداف و تصمیماتی که در راستای اقدامات توسعه‌ای در محله گرفته می‌شود، می‌تواند معلومات و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را بالا برده و توان تصمیم‌گیری را در ایشان ایجاد کند. علاوه بر این، آگاهی اهالی از تصمیمات و برنامه‌های نوسازی، مسئولیت‌پذیری آن‌ها را نیز بالا برده و آن‌ها را نسبت به محله و تغییرات آن، مسئول و متعهد می‌سازد.

- اعتمادسازی در فرآیند نوسازی محله: نگرش دارای سه سطح شناختی، عاطفی و عملی است. مردم در بعد نگرش و در سطح ذهنی اکثراً موافقت و تمایل خود را برای مشارکت در بهسازی و نوسازی محله اعلام داشته‌اند. برای اینکه مردم در عمل نیز وارد صحنه مشارکت شوند؛ لازم است تا بین سطوح ذهنی نگرش و سطوح عملی و عینی پیوند برقرار شود. حلقه واسط این پیوند بعد احساسی و عاطفی نگرش است که از طریق ایجاد اعتماد برانگیخته می‌شود.

- نهادسازی و ظرفیت‌سازی در فرآیند نوسازی محله: پس از زمینه‌سازی برای جلب مشارکت شهروندان در فرآیند احیای محله از طریق پیش‌نیازهای مشارکت (آگاه‌سازی و اعتمادسازی)، اقداماتی نیز باید برای فراهم آوردن چارچوب‌های مشارکت صورت پذیرد؛ بنابراین نهادسازی و تقویت نهادهای خودیاری و داوطلبانه و امنیت عمومی، می‌تواند به عنوان یک حلقه واسط و تسهیل‌کننده در فرآیند نوسازی محله مؤثر واقع شود. اقدامات

زیر در قالب نهادسازی و ظرفیت‌سازی می‌تواند مؤثر واقع گردد:

- سازمان‌دهی مشارکت مردمی در سطوح کلان، میانی و خرد؛

- تأسیس دفتر تسهیل‌گری نوسازی محله؛

- تشکیل یک پایگاه اینترنتی برای محله؛
 - تهیه طرح بهسازی و نوسازی محله با رویکرد فرآیندی و راهبردی؛
 - حمایت‌ها و تسهیلات مالی و قانونی در فرآیند نوسازی محله؛
 - تقویت امنیت عمومی موجود در محله.
 - حفظ ساکنان بومی محله: یافته‌های پیمایش میدانی نشان داد که متغیر تمایل به ادامه سکونت در محله از سطح خوبی (بالای ۶۵ درصد) برخوردار است. توسعه امنیت محله و فرآیند نوسازی پایدار محله، می‌تواند در رفع مشکلات محله و به دنبال آن در حفظ ساکنان بومی محله و افزایش تمایل به ادامه سکونت آن‌ها در محله مؤثر باشد.
 - ارتقای سطح خدمات و رفع نواقص کالبدی محله: بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه «تمایل به ادامه سکونت در محله» و «تمایل به نوسازی محله» به صورت معنادار و معکوس با متغیر «مشکلات محله» برقرار است؛ یعنی هرچه مشکلات محله کاهش یابد (کیفیت سکونت در محله افزایش یابد) در نتیجه تمایل به ادامه سکونت در محله و نوسازی افزایش می‌یابد.

- بهره‌گیری از ظرفیت‌های امنیتی و فرهنگی محله در فرآیند نوسازی محله: آزمون سؤالات نشان داد که بین سرمایه اجتماعی ساکنان محله و هویت امنیتی و فرهنگی محله، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه اجتماعی، می‌توان انتظار داشت که تمایل به ارتقای امنیت و حفظ هویت فرهنگی محله افزایش یابد. هویت فرهنگی در رویکردهای نوین برنامه‌ریزی، به عنوان یک عامل و محرک توسعه پایدار مطرح است. با توجه به این رویکرد، نگاه به محله شاطرآباد، به عنوان یک مرکز قدیمی در بافت مرکزی شهر کرمانشاه است که دارای اهمیت امنیت عمومی و فرهنگی بوده و به مثابه ثروتی بالقوه در اقتصاد شهری اهمیت و توجهی مضاعف می‌یابد.

پیشنهادها

با بررسی‌های انجام گرفته، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مناسب و بهبود کالبدی بافت برای افزایش پایداری لازم است، ولی کافی نیست. بدون در نظر گرفتن ساکنان به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی فضا، نمی‌توان طرحی کاربردی و کارا ارائه کرد.

بر این اساس باید برای بهبود اجتماعی - امنیتی و اقتصادی نیز راهکارهایی ارائه کرد. راهکارهای موردنظر برای دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی و کالبدی محله را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- جهت ارتقای حسن هم‌جواری، حفظ آسایش و صمیمیت بین ساکنان با پیش‌بینی واحدهای فرهنگی، امکان اجرای برنامه‌های آموزشی در سطح محله فراهم می‌شود و از طریق تبلیغات عمومی می‌توان به ترغیب اقشار مختلف ساکن در محله و افزایش آگاهی‌های عمومی اقدام کرد.

- ایجاد مراکز مشاوره خانواده و مشاوره تحصیلی و ... در راستای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی گام برداشت و همچنین می‌توان از طریق برگزاری مسابقات ورزشی یا کتاب‌خوانی در سطح محله، باعث کنترل هیجانات جوانان و یا ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی شد.

- یادآور شدن ضرورت مشارکت به ساکنان محلی و ترغیب و ایجاد تمایل آن‌ها به مشارکت در احیای محله، بسیار حائز اهمیت است. باید به مردم گفت که مشارکت و همکاری آن‌ها یک ضرورت (نه یک توصیه یا پیشنهاد از سوی مسئولان) است. مردم باید نقش کلیدی خود را در فرآیند نوسازی حس کنند و به این باور برسند که بدون نقش‌آفرینی مؤثر آن‌ها، اقدامات نوسازی در محله به نتایج مطلوب خود نمی‌رسد و یا اصلاً به نتیجه نمی‌رسد.

- اجرای برنامه‌های جمعی و همگانی با محوریت فرهنگی، هنری و یا ورزشی در ایام مناسبی از سال و به طور منظم تا با ایجاد حس همدلی و نزدیکی در میان ساکنان، در حفظ و ارتقای حس هویت در محله نیز تأثیر مداوم داشته باشد.

- ارتقای سرمایه اجتماعی در این تحقیق، به عنوان یک هدف تبعی مطرح است که در نتیجه درگیر کردن جامعه محلی در فرآیند نوسازی تحقق می‌یابد.

منابع

- اکبرپور، محمد (۱۳۸۷). *ارزیابی مشارکتی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی محله سیروس منطقه ۱۲ تهران)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- انصاری امین، مهدی (۱۳۸۲). *مشارکت سازمان‌های غیردولتی در امور اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال چهارم، ش ۱۶، صص ۸۴ – ۷۱.
- ایازی، سید محمد (۱۳۸۵). *شناسایی بافت‌های فرسوده با استفاده از سیستم‌های اطلاعات مکانی*، همایش ژئوماتیک، تهران.
- باقریان، محمدصابر (۱۳۸۹). *بازشناسی قابلیت‌های نوسازی در بافت‌های فرسوده بخش میانی بر پایه ویژگی‌های اجتماع و فضا (مطالعه موردی: محله ۱۹ از منطقه ۱۷ شهر تهران)*، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). *جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی اعتماد دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان، نشر شیرازه.
- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار*، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- حناچی، سیمین (۱۳۸۲). *ضرورت باززنده سازی بافت‌های قدیمی شهرهای ایران*، همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهر تهران.
- رفعیان، مجتبی و هانیه هودسنی (۱۳۸۶). *بازتولید سرمایه اجتماعی در محلات شهری در رویکرد توسعه پایدار اجتماعات محلی*، پژوهشنامه مدیریت و سرمایه اجتماعی، شماره ۲.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم*، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- مصطفوی، سید محمدحسن (۱۳۸۷). *عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن*، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۳۱ – ۱۰.

– موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

– Boskoff. A. (1970), the sociology of urban region, Meredith corporation U.S.A.

– Fridman.J. (1993), "Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal", Autumn – 482.

– Hull city council. (2000), Urban regeneration ‘ to promote urban regeneration and anti-poverty strategies’.

– Madanipour. A. (2001), "How relevant is ‘planning by neighbourhoods’ today?", in Town Planning Review, 72 (2).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی